



# استعدادهای دریچه‌پرداز

درآورده‌اند. گرچه جامعه پژوهشکی به معنای اعم کلمه جامعه‌ای سالم و خدمتگزار است، لیکن با کمال تأسف بایستی اذعان کنیم هستند محدود کسانی که بواسطه مسائل مادی، همه چیز را زیر پا می‌گذارند و موجبات بدینی مردم را به این قشر زحمتکش فراهم می‌کنند. لذاست که بایستی مسئولین و دست‌اندرکاران متهد این رشته دست در دست یکدیگر داده و با اینگونه نارسائی‌ها برخورد نمایند و این نکته را گوشزد نمایند که گروه پژوهشکی را بایستی برای نیل به مادیات انتخاب کرد، بلکه خدمت به مردم همیشه می‌بایست در رأس اهداف جامعه پژوهشکی قرار داشته باشد. با این مقدمه، مطلب همکارمان را مرور می‌کنیم.

سردبیر

## پیشگفتار:

مطلوبی که در زیر از نظرتان می‌گذرد، گرچه در دل یکی از همکاران داروساز است و به لحاظ مسائلی که در آن مطرح گردیده بایستی در ستون «دیدگاهها» چاپ می‌شد، لیکن به لحاظ نوع نگارش آن تصمیم گرفتیم که در ستون «دریچه‌ای به استعدادها» اقدام به درج نمائیم. همانگونه که قبل از نیز مذکور شده‌ایم، این ستون در واقع تریبونی برای بیان استعدادهای هنری همکاران اعم از شعر، نثر، طنز و ... است. همکارمان با این متن در عین بیان مشکلی از مشکلات اداره داروخانه، استعداد خویش را نیز در این زمینه به کار گرفته‌اند و متى را نگاشته‌اند که در عین داشتن رگه‌هایی از طنز، واقعیاتی را نیز بر شته تحریر

## عجب ما هم ض... ---

[اخوی] بچه جون حواست را جمع کن یک  
رشته‌ای انتخاب کن که آب و نونش از همین الان  
تصمین باشد.

[ابوی] عزیزم یک کاری بکن که ما را هم  
سرفراز بکنی.

[بنده] بابا این حرفها چیه، من می‌خواهم یک  
رشته‌ای برم که بتونم خدمت بیشتری بکنم، لذا ۵  
انتخاب اول پزشکی، ۵ انتخاب دوم دندانپزشکی و ۵  
انتخاب سوم داروسازی را زدم ...

\*\*\*

۴- ترم پنجم داروسازی، درس کارآموزی  
داروخانه ۱- داروخانه دکتر ت...

مشتری بدون نسخه:- آقای دکتر (اشارة به  
اینجانب) لطفاً یک بسته آمپی‌سیلین بدین ....  
- نسخه داری؟ - نه - برای چی می‌خواهی؟  
- گلوی بچه‌ام چرک کرده! دکتر هم برم همینو می‌ده!  
- نه آقای عزیز، آمپی‌سیلین جزو گروه پنی‌سیلین  
است که روی میکروب‌های گرم مثبت و منفی اثر دارد و  
لذا بایستی اول نوع میکروب تشخیص داده شود. این  
کار پزشک است که باید تجویز کند و گرنه میکروب  
مقاآم ایجاد ...

وسط سمینار علمی اینجانب بود که یک بسته  
آمپی‌سیلین روی میز پیشخوان ظاهر شد و صدائی امر  
فرمودند که آقای ف ... لطفاً شما در قسمت عقب  
داروخانه نسخه‌ها را آماده کنید ...

(اینجانب با احساس سنگینی در گوش و بینی و ...  
امر آقای دکتر ت ... را اطاعت نمودم...)

\*\*\*

۵- ترم ششم داروسازی، درس کارآموزی  
داروخانه ۲- داروخانه دکتر ز ...

۱- کلاس سوم راهنمائی، زنگ انشاء، موضوع  
«در آینده چه کاری خواهید کرد»

... من در آینده دوست دارم دکتر بشوم، مقداری  
دارو در کیف قرار دهم و به رستاها و همسه‌های  
بی‌ضاعت سرکشی کنم و آنها را مجانی درمان کنم و  
داروی شفابخش به آنها بدهم ... من پزشکانی که به  
حاطر پول مریضها را جواب می‌کنند دوست ندارم ...  
من در آینده چنان این بی‌مهری‌ها را خواهم کرد ...

\*\*\*

۲- کلاس چهارم نظری، زنگ انشاء، موضوع  
«شغل مورد علاقه شما چیست؟»

... اصولاً انسان باید هر شغلی را که انتخاب  
می‌کند، وجدان کاری را فراموش نکند و من نیز که  
قصد دارم در آینده پزشک بشوم دوست دارم با در نظر  
گرفتن وجدان کاری به هموطنان خدمت کنم و سعی  
نمایم در مشکلات درمانی آنها را یاری نمایم و در این  
راه از هیچ کوششی درین نمایم و توجه به مادیات مرا از  
این کوشش باز ندارد و ...

\*\*\*

۳- بعد از کنکور، هنگام انتخاب رشته در  
خصوص جمعی از اقوام

[دایی جوان] - به به آقا ف... ما رتبه خوبی  
آورده، حتماً باید مهندسی یا پزشکی، قبول بشه، بازار  
ما هم به یک نفر پز بدیم.

{زن عمو} آره هوش نگ من هم امسال  
می‌خواست شرکت کند ولی موقع امتحان  
سرماخوردگی پیدا کرد و تونست.

نمی‌کنید؟ - اینقدر مشکلات دارم که به این حرفها  
نمی‌رسم؟ - شما درس خوندید که فقط به مشکلات  
کاری خود برسید یا درس خوندید که مشکلات درمانی  
را حل کنید؟ آخه یک ذره هم به عواقب این کار فکر  
کنید؟ خودتون رو آنطرف این میز فرض کنید؟  
و جدان کاری را در نظر بگیرید....

\* \* \*

#### ۷- شب، تنها، کنار پنجره، رو بروی با غچه‌ای زیبا، نور مهتاب و...

... راستشو بخوابین با غچه‌رو نمی‌دیدم، گلها فقط  
شکل یک سنگ بنظر می‌رسید. حرفهای داشجو،  
انشاء مدرسه، کارآموزی ۱ و ۲ مثل یک پرده  
سینمایی درشت و واضح از نظرم می‌گذشت.  
آره انسان همیشه راحتترین راه را انتخاب  
می‌کنند... مشکلات و معضلات داخلی خودش را به  
سختیهای بیرون نسبت داده و نتیجه‌گیری می‌کند ...  
آخه تاکی اسیر مشکلات بیرون ... آخه تاکی کارهای  
غیرقابل قبول دیگران را دلیل متفق و محکم انجام  
کارهای خودم بکنم ... من در مورد توجیه مسائل  
می‌تونم ساعتها حرف بزنم حتی خیلی‌ها را قانع کنم  
ولی هر وقت با خود خودم هستم به همه آن حرفها  
ُنُف می‌کنم ... مشکلات که تمامی نداره پس یعنی من  
باید تا آخر آنجر که معلوم نیست کی هست؟ خودمو  
قربونی این حرف‌آزم، فکرمو توجیم بزارم، به همه  
چی فکر کنم جز حرف پاک دلم؟ ای بایا تاکی؟  
اوناوشی که به همه‌چی رسیدند نیز باز همین بهانه‌ها  
رو می‌یارن، پس معلومه این حرفها دست آویزه ... باید  
یک کاری بکنم ... خدا یا از ما حرکت از تو برکت،  
برکت مال برکت دل

دکتر س - مهدوی - داروساز

نسخه دکتر متخصص قلب: دیکوکسین +  
آمیودارون + ایندومتاسین + پیروکسیکام + ..... + ....  
اینجانب خطاب بمريض: - آقای عزيز داروهای  
اين نسخه با هم تداخل دارند - تداخل يعني چه؟ -  
يعني تو کار هم دخالت بي جا می‌کنند!؟ - حالا  
تكلیف چیه؟ يعني می‌فرمایی سواد شما بیشتر از یک  
متخصص قلب است؟ - آقا مسئله عنوان که نیست، ما  
اینجا نشسته‌ایم که این اشکالات را برطرف کیم و ...  
در این هنگام آقای دکتر ز... متوجه طولانی شدن  
زمان نسخه پیچی شده! و اشاره نمودند که هر چی  
نوشته بده؟! بعد مرا به کناری کشید و با چهره‌ای  
مهربان فرمودند: آقای دکتر بعد ازین! عنایت بفرمایید.  
اینجا داروخانه است، کلاس فارماکولوژی و اطلاعات  
داروئی که نیست اگر شما به اینگونه متخصصین ایراد  
بگیرید، مریضها را معطل کنید، مراجعات داروخانه  
کاهش می‌یابد. مردم مریض هستند، کار دارند فرصت  
اینگونه امور را ندارند؟ مطمئن باش شما هم حتماً  
وقتی داروخانه زدی اینگونه فکر می‌کنی؟

\* کلمات آخر مثل پتک بر سندان مفرغ اینجانب  
وارد شد طوری که برق چشمانم را در دور دستها دیدم و  
از خود سوال کردم آیا من هم واقعاً اینگونه می‌شوم?  
چرا؟ چگونه؟ چطور؟

\* \* \*

#### ۶- داروخانه دکتر ف...؛ سن ۴۰ سال. داروخانه دونبیش. داروخانه مملواز مریض ...

اینجانب مشغول صحبت با یکی از داشجویان  
داروسازی هستم که جهت کارآموزی به داروخانه من  
آمده و حاضر نیست بدون نسخه پزشک دارو بدهد...  
از نسخه‌ها ایراد می‌گیرد ... مشتری‌ها را می‌پرانه...  
- داشجو: آقای دکتر مگه این مسائل را به شما تو  
دانشگاه نگفته‌اند؟ - چرا؟ - پس چرا توجه